

## معصومان علیهم السلام، صراط مستقیم الهی و الگویی برای اتحاد انسان‌ها

معصومه سالاری راد\*

### چکیده

بنابر ادله نقلی و شواهد تاریخی، می‌توان عمومیت رسالت، جاودانگی و جهانی بودن دین اسلام را به اثبات رساند. آیات فراوانی از قرآن کریم جهانی بودن رسالت پیامبر اکرم را اثبات می‌کنند. علاوه بر آیات قرآن، شواهد تاریخی مثل ارسال نامه و سفیرانی از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله به سوی سران کشورهای و قبایل مختلف دال بر این معناست. حقیقت دین، واحد است و همه پیامبران مردم را به سوی دین واحدی فراخوانده‌اند و قرآن این دین را اسلام نامیده است. از سوی دیگر، اسلام خاص که دین خاتم و تکامل یافته شرایع پیشین است بر چهار رکن اساسی توحید، معاد، نبوت و امامت مبتنی است. سوره احمد، که بنابر روایات معصومان علیهم السلام جامع همه آیات قرآن است، این مبانی چهارگانه را به نحوی بسیار زیبا ترسیم کرده است. همه مسلمانان در اولین امر واجب یعنی نماز، که مکلف به آن شده‌اند، مأمور به خواندن این سوره می‌باشند. به استناد ادله فراوان عقلی و نقلی، می‌توان اثبات کرد که منظور از صراط مستقیم ذکر شده در سوره حمد که همه مسلمانان و در معنای گسترده تر آن، همه مردم جهان درخواست هدایت به آن را دارند، راه پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان معصوم آنها می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: معصوم، صراط، جهانی بودن، اتحاد و انسجام، عصمت، خاتمیت.

مقدمه

اسلام تسلیم شدن در برابر حق در مرتبه نظر و عمل است. دین دارای حقیقت واحدی است که جامع‌ترین معرف آن، واژه «اسلام» است. به عبارت دیگر، همه فرستادگان الهی، مردم را به سوی خداوند و تسلیم بودن در برابر او دعوت می‌کردند. با اینکه اصول فکری و عملی همه پیامبران یکی بوده است، اما دین اسلام که همان رسالت حضرت محمد ﷺ است، تکامل یافته شرایع آسمانی، دین خاتم، جاودانه، جهان‌شمول و جامع می‌باشد.

دین اسلام که دارای مهر خاتمیت و جاودانگی است، در همه زمان‌ها پاسخگوی نیازهای بشریت می‌باشد. از جمله اصول مبنایی آن بعد از اصل اساسی توحید، نبوت و امامت است. این دو اصل مسلم اعتقادی، شکل‌دهنده مبانی و فرعیات شریعت اسلام می‌باشند و در مذهب شیعه اثناعشری نمود چشمگیری دارند. این دو اصل همانند دو رشته به هم بافته‌ای هستند که یکی (امامت) لازمه دیگری (نبوت) است؛ به این معنا که لازمه اعتقاد به نبوت پذیرفتن اصل امامت و جانشینی پیامبر است.

در این نوشتار، این دو اصل تحت عنوان ائمه اطهار ﷺ آمده است. پیش از هر چیز باید یادآور شد دین اسلام دارای چه ویژگی‌هایی است که سایر ادیان الهی از آن بی‌بهره‌اند؟ در حقیقت، همین ویژگی‌هاست که رسالت پیامبر اکرم ﷺ را از رسالت سایر انبیا که پیش از ایشان آمده‌اند متمایز کرده است. عمده‌ترین مشخصه‌های رسالت حضرت محمد ﷺ عبارتند از: ۱. خاتمیت دین اسلام؛

۲. جهانی بودن؛ ۳. جاودانه بودن؛ ۴. ذومراتب بودن دین اسلام.

صراط مستقیمی که یکی از ارکان اسلام است، همان معصومان علیهم‌السلام می‌باشند و عصمت مطرح شده در اینجا عصمت چهارده معصوم است. در واقع، این چهارده نور، صراط مستقیم خداوند در متحد و منسجم کردن صفوف انسانیت‌اند. اگر به این صراط الهی که مصداقش - بنابر دلایل عقلی و نقلی - پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حضرت علی علیه‌السلام، حضرت زهرا علیها‌السلام، و یازده فرزند بزرگوارشان می‌باشد، چنگ زده شود اتحاد غیر قابل وصفی بر دنیا حاکم می‌گردد؛ صراطی که هیچ لغزش و انحرافی در آن نیست و انتهایش سعادت و سربلندی تمام کسانی است که در این راه قرار گرفته‌اند و این مسیر را پیموده و یا در حال پیمودن آن می‌باشند. از آن‌رو که ذات اقدس الهی منزّه از هر عیب و نقصی است، راهش هم از هر عیب و خطایی منزّه می‌باشد. کسانی در این راه پوینده آن هستند که هیچ‌گاه گناه و عیبی از آنان سر نزده باشد؛ زیرا فرد گناه‌کار مادامی که در حال گناه است در صراط الهی نیست و چون اراده الهی بر این تعلق گرفته که هیچ‌گاه زمین از وجود معصوم و یا به عبارتی، واسطه فیض خالی نباشد، در هر زمان مصداق صراط الهی، موجود بوده و صراط مستقیم فقط راه آنهاست که باید موجب اتحاد و انسجام باشد.

۱. خاتمیت دین اسلام

در گستره تاریخ و از همان ابتدا که اولین بشر خلق شد، دین هم با او موجود بوده است. همواره در طی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأکید دارد، آیه «خاتم النبیین» است: ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ (احزاب: ۴۰) آیات دیگری از قرآن کریم نیز این مطلب را اثبات می‌کنند؛ از جمله: فصلت: ۴۱ / انعام: ۱۱۹ / نساء: ۲۸ / حجر: ۹.

#### ب. روایات و احادیث

در کتب حدیثی روایات و احادیث فراوانی وجود دارند که بیانگر خاتمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشند. در ذیل، به برخی از این روایات اشاره می‌شود:

۱. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: پدر و مادرم فدای تو رسول خدا! با مرگ تو رشته‌ای پاره شد که در مرگ دیگران قطع نشد، با مرگ تو رشته پیامبری و فرود آمدن پیام و احبار آسمانی گسست. (۲)

۲. امام محمد باقر علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که حضرت فرمود: ای مردم، بدانید که پس از من هرگز پیامبری نخواهد آمد. (۳)

۳. زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با جمعی از صحابه به قصد غزوة تبوک، مدینه را ترک می‌کردند، حضرت علی علیه السلام غمگین شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به ایشان فرمودند: «آیا نمی‌خواهی جانشین من باشی، همان‌گونه که هارون نسبت به موسی چنین نقشی داشت؟ البته با این تفاوت که پس از من هرگز پیامبری نخواهد آمد.» (۴)

#### ۲. جهانی بودن اسلام

هرچند جهانی سازی و جهان‌گرایی همواره یکی از اهداف مصلحان بشر بوده است، اما ریشه در تعالیم

این دوران، انبیای الهی با تبلیغ دین الهی و هدایت انسان‌ها، هیچ‌گاه از انجام وظیفه شانه خالی نکرده و همواره بنا به شهادت قرآن کریم، افرادی صالح، صدیق، صبور، مخلص و دارای علم لدنی بوده‌اند. این پیامبران هیچ‌گاه یکدیگر را نقض و تکذیب نکرده، بلکه همواره مؤید یکدیگر بوده‌اند، به گونه‌ای که پیامبران قبلی، آمدن پیامبران بعدی را بشارت می‌دادند. برخی از این فرستادگان، دارای کتاب و شریعت خاصی بودند و شریعت و رسالتشان منوط به زمان خاصی بود. از میان این پیامبران، فقط رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله جهان‌شمول است و همه مردم مخاطب این پیام الهی می‌باشند. بر شریعت این پیامبر بزرگ، مهر خاتمیت خورده است؛ چراکه دین آن حضرت آخرین دین است و پس از او فرستاده دیگری مبعوث نمی‌گردد. این آیین به گونه‌ای طراحی شده است که برای تمام زمان‌ها، نسل‌های آینده، همه نژادها و اقوام جوابگو می‌باشد.

اعتقاد به خاتمیت دین اسلام در نزد مسلمانان، یکی از ارکان اساسی دین اسلام است. این اعتقاد در ردیف اعتقاد به یگانگی خدا و ایمان به معاد قرار دارد. (۱) قرآن کریم با صراحت بر موضوع خاتمیت دین اسلام تأکید می‌کند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در مناسبت‌های گوناگون این موضوع را یادآوری می‌کردند. برای اثبات اعتقاد به خاتمیت دین اسلام دلایل متعددی وجود دارد. از مهم‌ترین دلایل خاتمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

#### الف. آیات قرآن کریم

از محکم‌ترین ادله نقلی که به وضوح بر خاتمیت

۱. نامه‌هایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سران کشورها، مانند پادشاهان ایران، روم، یمن، حبشه، مصر و حتی برای رؤسای قبایلی که به طور مستقل زندگی می‌کردند، نوشتند.

۲. آن حضرت برای هر کدام از کشورها و قبایل مختلف پیک مخصوصی می‌فرستادند تا آنان را به پذیرش اسلام فراخوانند و این مطلب دال بر عمومیت و جهانی بودن دین اسلام است.

ب. آیات قرآن: آیات متعددی از قرآن کریم با صراحت تمام بر عمومیت دین اسلام و عدم اختصاص آن به زمان و مکان و قوم خاصی، تأکید می‌کنند. برخی از این آیات عبارتند از:

- ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان: ۱)؛ پرخیز و پاینده است آن (خدایی) که بر بنده خود (کتاب) جداکننده حق و باطل را نازل کرد تا برای جهانیان هشداردهنده باشد.

- ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾ (اعراف: ۱۵۸)؛ بگو: ای مردم، من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم.

- ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ نَذِيرًا﴾ (سبأ: ۲۸)؛ ما تو را برای همه مردم نفرستادیم، مگر آنکه بشارت‌دهنده و اندازگر باشی.

- ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ (انبیاء: ۱۰۷)؛ ای پیامبر! تو را نفرستادیم، مگر آنکه برای جهانیان مایه رحمت باشی.

آیات مزبور بیانگر آنند که هدف اسلام، اصلاح جامعه انسانی در سراسر گیتی بدون توجه به حدود و مرزهای جغرافیایی است. به همین دلیل، اسلام از همان روزهای آغازین حیاتش همه حکومت‌ها و

و ادیان الهی داشته و یکی از اساسی‌ترین آرمان‌های همه انبیا و ادیان بزرگ الهی بخصوص دین اسلام به شمار می‌رود. (۵) لازمه نجاتم بودن دین اسلام، جهانی بودن آن است. در مورد سایر انبیا، دلیلی قطعی بر عمومیت و جهانی بودن رسالت آنها موجود نیست، هر چند که آرمانشان بوده است. اما در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قضیه کاملاً بعکس است؛ صرفاً رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله برای همه جهانیان و همه نسل‌ها برگزیده شده است. آن بزرگوار برای هدایت و راهنمایی عموم جهانیان مبعوث شده بود، برخلاف رسالت سایر انبیا که هر یک برای امت خاص یا نسل ویژه‌ای مبعوث می‌شدند. کتاب‌های آنها برای ملت مشخص و یا یک دوره زمانی خاص بود. محدوده مکانی تبلیغ آنها معین بود و رسالتشان جهانی نبود. (۶)

ریشه‌های جهان‌شمولی دین اسلام در مبتنی بودن آن بر فطرت، انعطاف‌پذیر بودن آموزه‌های آن و داشتن عنصر مهم اجتهاد و تطابق آن با مقتضیات زمان و مکان نهفته است. (۷) از سویی، تمام عناصر جهانی‌سازی در مذهب شیعه به طور مشهود وجود دارد. مکتب شیعه اثناعشری بیشترین تأکید بر خردورزی را دارد. عنصر عقلانیت، اجتهاد، عدالت، مهدویت و فرازمانی و فرامکانی بودن در این مکتب، نمود و جایگاه والایی دارد.

بنابراین، با ادله نقلی و شواهد تاریخی و نیز آیات قرآن، عمومیت دین اسلام و جهانی بودن آن را می‌توان اثبات کرد.

لقد. شواهد تاریخی: از جمله این شواهد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

سخن، گرامی خداوند کافی است. (در این آیه، برتری فرهنگ اسلامی مورد تأکید واقع شده است تا شایستگی آن را بر دیگر فرهنگ‌ها در راستای جهانی‌سازی اسلام و ایجاد حیات طیبه برای تمامی انسان‌ها نمایان گرداند.)

از آیات شریفه قرآن کریم استنباط می‌شود در چنین حیات طیبه‌ای است که برکات الهی تمام عالم را فرا می‌گیرد. طبق آیه ۹۶ سوره «اعراف»، هرگاه ایمان و تقوا در جامعه انسانی گسترش یابد و انسان‌ها حریم خود و خداوند را نگه دارند، برکات الهی بر مردم نازل می‌شود.

اگر مسلمانان، جهانیان را به این حقیقت راهنمایی کنند آن‌گاه زمام جهانی‌سازی بشردوستانه را به دست گرفته و مسئولیت پیش‌گفته خویش را در برابر خداوند و خلق به نحو احسن ادا خواهند نمود.<sup>(۸)</sup> در این‌جاست که سلطه نظام‌های استبدادی و استعماری به پایان می‌رسد و انصاف و عدل مهدوی که درمانگر دردهای جوامع بشری است بر جهان حاکم می‌گردد.

### ۳. جاودانگی اسلام

چنان‌که اثبات شد، دین اسلام عمومیت مکانی دارد و مختص همه افراد جهان است و با تمایلات و خواسته‌های آنها در تناقض نیست. عمومیت زمانی هم دارد؛ یعنی خاص همه زمان‌هاست؛ از ابتدای رسالت تا روز محشر که پرونده این دنیا بسته می‌شود. بنابراین، کسی نمی‌تواند ادعا کند که با پیشرفت فناوری و مدرنیته شدن زندگی، دیگر دین اسلام پاسخگوی نیازهای انسان نیست و باید احکام

دولت‌ها را ورای مرزها و نژادهایشان به یک دین و دولت واحد دعوت کرد.

یکی دیگر از دلایل جهانی‌بودن دین اسلام، تکرار واژه‌های «الانسان» و «الناس» در قرآن کریم است. قریب ۲۴۰ بار واژه «الناس» و ۶۵ بار واژه «الانسان» تکرار شده است. این دو کلمه، واژه‌هایی برای تمام افراد انسانی می‌باشند و عمومیت و کلیت آنها واضح است؛ مانند:

- ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُ الْبَنَاتِ إِلَهُ الْبَنَاتِ﴾ (حج: ۲۹)؛ بگو: ای مردم، همانا من برای شما فقط هشداردهنده‌ای آشکارم.

- ﴿إِنِّي جَاعِلٌكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا﴾ (بقره: ۱۲۴)؛ من تو را پیشوای مردمان قرار دادم. (در واقع، نگرش قرآن به انسان و هدایت رهبران جامعه انسانی، فراگیر و جهانی است، و هیچ مرزی را در راستای تحقق اهداف جهان‌شمول خود نمی‌شناسد.)

- ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ (بقره: ۱۴۳)؛ بدین سان شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد. (در این آیه، خداوند متعال به صراحت بر مسئله جهانی‌سازی تأکید کرده و این امر را وظیفه مهم جامعه اسلامی دانسته است و از آنها می‌خواهد که با تمام توان در جهت ساخت و ساز ملت‌ها و اصلاح جوامع انسانی تلاش کنند.)

- ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَىٰ الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾ (فتح: ۲۸)؛ او خدایی است که رسول خود را با قرآن و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان دنیا غالب گرداند و بر حقیقت این

دین دارای حقیقت واحدی است که بهترین معرف آن، واژه «اسلام» یعنی تسلیم بودن در برابر آنچه خداوند از انسان‌ها خواسته است.

این مطلب بدان معناست که همه فرستادگان الهی تلاش می‌کردند انسان‌ها را در طول تاریخ به یک هدف نهایی متوجه سازند. اصول اساسی دستورات آنها یکی بود و فقط در شرایع و قوانین جزئی با یکدیگر اختلاف داشته و اختلاف آموزه‌های آسمانی آنها اختلاف تبیینی نبوده است. این اختلاف و تفاوت در نوع است:

۱. اختلاف در شکل اجرایی یک اصل کلی در شرایع و موقعیت‌های متفاوت که مربوط به هماهنگی دین اسلام با مقتضای زمان است.

۲. اختلاف در سطوح و مراتب که ریشه در تفاوت استعدادها و انسان‌های گذشته و حال دارد.

اختلاف در سطح، در ناحیه احکام، دستورات دینی و شرایع و نیز در ناحیه معارف الهی بوده است. در حقیقت، نزول معارف و تعالیم دینی بر طبق مسیر تکاملی انسان بوده است. هر یک از پیامبران الهی حد و مقامی داشته‌اند و معارف الهی را متناسب با درجه سیر و سلوکشان و میزان فهم و قابلیت درک انسان‌های زمان خودشان، دریافت و به مردم ابلاغ می‌کردند. این روند ادامه یافت تا اینکه پیامبری آمد که آخرین حد معارف الهی را از منبع وحی دریافت و برای مردم بیان کرد.

شرایع در طول تاریخ، به صورت صعودی داریم از نقص به سوی کمال در حرکت بوده‌اند تا اینکه در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جامع‌ترین، مانع‌ترین و مترقی‌ترین شریعت و قانون در اختیار بشریت قرار

و قوانین اسلام را کنار گذاشت؛ چرا که اسلام مختص و مربوط به هزار و چهارصد سال پیش است! این‌گونه تفکرات ناشی از کج‌فهمی و عدم درک عمق دین اسلام است. غیرممکن است که انسانی، عمق وحی را که با فطرت و دل انسان ارتباط مستقیمی دارد، درک کند، اما جملاتی بر زبان بیاورد که خلاف آن را می‌گوید.

آیات و روایات فراوانی بر فرازمانی بودن اسلام دلالت می‌کنند. برخی از این آیات عبارتند از:

- «وَأَوْحِي إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» (انعام: ۱۹)؛ به من این قرآن وحی شده است که شما و هر کس را که (این پیام) به او برسد بدان هشدار دهم. «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ» (یس: ۷۰-۶۹)؛ این (سخن) جز یادآوری و قرآنی روشن نیست تا آن را که (دلش) زنده است بپیم دهد و سخن (عذاب) بر کافران تحقق یابد.

روایت ذیل نیز از جمله احادیثی است که بیانگر جاودانگی اسلام می‌باشد: «حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرام محمد حرام الی یوم القیامه» (۹)

#### ۲. مراتب دین

حقیقت و ماهیت دین، واحد است و همه پیامبران مردم را به یک دین فرا خوانده‌اند. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹) قرآن کریم نام دینی را که از ابتدای تاریخ، همه پیامبران مردم را به سوی آن دعوت می‌کردند، «اسلام» می‌نامد. مراد آیه این نیست که دین همه پیامبران در همه زمان‌ها اسلام خاص پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله بوده، بلکه بدان معناست که

گرفت. در واقع، نظام قانون‌گذاری دین اسلام به نحوی است که جوایب‌گویی همه نیازمندی‌های بشر در همه اعصار و قرن‌هاست. (۱۰)

بنابراین، از ابتدای تاریخ، دین واحدی وجود داشته و در همه اعصار اصول فکری و عملی پیامبران الهی یکی بوده است. این روند ادامه می‌یابد و هر چه در طول تاریخ جلوتر می‌رویم شریعت و قانونی که پیامبران آورده‌اند رو به تکامل و پیشرفت می‌رود، به گونه‌ای که اوج این کمال و جامعیت در تعالیم و دستورات پیامبر خاتم به چشم می‌خورد و این تعالیم به نوعی است که با زندگی همه انسان‌ها در همه نقاط دنیا سازگار است.

#### ۵. ماهیت و زیربنای اسلام

اساس دین اسلام و اصول اعتقادی که زیربنای معارف اسلام را تشکیل می‌دهند و همه مسلمانان اجماع نظر عمومی در این زمینه دارند، عبارتند از: توحید، معاد و نبوت. تمام فرقه‌ها و گرایش‌های متعدد و متنوع اسلامی بر این اصل متفق‌اند و هیچ اختلافی ندارند. از میان این فرقه‌ها، تنها شیعه اثنا عشری است که اسلام را مبتنی بر پنج رکن و اصل اساسی می‌داند: ۱. توحید؛ ۲. معاد؛ ۳. نبوت؛ ۴. امامت؛ ۵. عدل. از نظر شیعه، نبی و امام در تمام اصول و مبانی لازم و ضروری برای تبلیغ و تبیین دین خدا مشترکند. تنها تفاوت آنها در نزول وحی و دریافت پیام‌های الهی از فرشته وحی است. بنابراین، با توجه به این مباحث، تمایز چندانی میان این دو نیست؛ زیرا مهم‌ترین شرط و اصلی‌ترین شاخصه لازم برای اجرای احکام الهی که همان عصمت نبی یا

امام است، در هر دو مشترک و موجود است. و هر دو (نبی و امام) باید معصوم باشند؛ زیرا در تفکر ناب اسلامی، عصمت و بزرگی ضروری و جدایی‌ناپذیر خلیفه الهی است.

از سوی دیگر، مهم‌ترین رکن اسلام و اولین تکلیف الهی که همه انسان‌ها از طریق دین اسلام مأمور به انجام آن شده‌اند «نماز» است. نماز بهترین تجلی یاد خدا، نشانگر اوج بندگی انسان در مقابل معبود و غایت آفرینش انسان است.

نماز، عبادتی است جامع که می‌تواند تمام وجود انسان را اعم از جنبه جسمی، قلبی و باطنی در خدمت خالق یکتا قرار دهد. (۱۱) شاید به خاطر همین اهمیت و تأثیر عمیق نماز است که قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیشترین تأکید را بر این فرضیه الهی دارند.

خواندن نماز در اوقات معین و تأکید فراوان بر اقامه آن در اول وقت و همچنین اهمیت و ارزش والای برگزاری نماز به صورت جماعت و همگانی، دال بر این معناست که نماز نموداری از وحدت و یکپارچگی انسان‌هاست. در این وحدت و انسجام، فواصل، شکاف‌های طبقاتی و تبعیض‌های نژادی کنار می‌رود و همه انسان‌ها به یک میزان و با یک شکل خاص دعوت و مأمور به این امر مهم شده‌اند. اگر به نماز با دید عمیق بنگریم، متوجه می‌شویم که همه مسلمانان در دو رکعت اول هر نماز مکلف به خواندن سوره «حمد» شده‌اند. همه مسلمانان در این امر اتفاق نظر دارند و سوره «حمد» را می‌خوانند. اگر به مفاهیم و مضامین عالی، ظاهری و باطنی سوره «حمد» نگاه کنیم، خواهیم دید که این سوره

معصوم علیه السلام است و این گفته که «خدایا ما را به راه نعمت داده شده‌ها، هدایت فرما و از راه مغضوبین و ضالین دور نما»، یک اشتباه عمومی است؛ زیرا سه راه و سه گروه نداریم؛ صرفاً یک راه و یک گروه موجود است که آن گروه، سه ویژگی منحصر به فرد دارند: یعنی ۱. نعمت داده شده‌اند؛ ۲ و ۳. از هرگونه مغضوبیت و گمراهی به دور بوده و هستند؛ یعنی در همه حال معصوم بوده و هستند. (۱۳)

### عصراط مستقیم و نکات پیرامونی آن

۱. با تفکر و تأمل در آیات شریفه ذیل، این نکته مهم استنباط می‌شود که قرآن کریم ما را آگاه می‌کند عصراط مستقیم در این زمان، صرفاً دین مبین اسلام است. هرچند سایر ادیان در زمان خودشان عصراط مستقیم بوده‌اند، اما با بعثت پیامبر اتمام حجت شده است؛ زیرا کامل‌ترین و جامع‌ترین شریعت و قانون در اختیار بشریت قرار گرفت. بنابراین، پیروان سایر ادیان اگر بخواهند دیندار باشند و هدایت شده تلقی شوند باید پیرو دین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله باشند:

- ﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ... وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا﴾ (انعام: ۱۲۵-۱۲۶)؛ کسی را که خداوند بخواهد هدایت کند، دلش را به پذیرش اسلام می‌گشاید... و راه راست پروردگارت این است.

- ﴿وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (مؤمن: ۷۶)؛ در حقیقت [ای محمد صلی الله علیه و آله] این تویی که جداً آنها را به راه راست می‌خوانی.

- ﴿إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (زخرف: ۴۳)؛ همانا تو [ای محمد صلی الله علیه و آله] به راه راست قرار داری.

۲. آیه شریفه ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ اطلاق

«ام‌الکتاب» نامیده شده است. این نام‌گذاری بدان دلیل است که در سوره «حمد»، خداوند متعال اصول و ارکان اساسی اسلام را که همان توحید، نبوت، و امامت است در قالبی بسیار زیبا ترسیم کرده است. «توحید»، در آیات ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾، ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ و ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ تجلی پیدا کرده است.

«معاد» در آیات ﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾، ﴿إِنَّا كُنَّا نَسْتَدِينُ﴾ ظهور یافته است. (۱۲)

«نبوت» و «امامت» در آیات ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ و ﴿صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾ نمود یافته است.

باید گفت: مراد خداوند متعال از «عصراط مستقیم» در آیه ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (که با استناد به مطالب پیشین، همه انسان‌ها و جهانیان مکلف به درخواست هدایت به سوی آن شده‌اند)، همان راه پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان و اهل بیت معصوم ایشان، یعنی راه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام، و فرزندان معصوم آن دو بزرگوار می‌باشد.

این ادعا را که «عصراط مستقیم، راه چهارده معصوم علیهم السلام می‌باشد» در دو مرحله می‌توان به اثبات رساند:

۱. دعا می‌کنیم که خداوند ما را به راه معصومان علیهم السلام هدایت نماید.

۲. هرچند پیش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پیامبرانی مانند ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام معصوم و در زمان خویش عصراط مستقیم بوده‌اند، اما پس از بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، عصراط مستقیم فقط راه چهارده



نافرمانی کند (گناه کند) پس قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است.

فخر رازی می‌گوید: «مستقیم راهی است که در آن خطا و غلطی نباشد. و ما هدایت کسانی را از خداوند طلب می‌کنیم که هرگز ظالم نبوده‌اند، وگرنه اقتدا به آنان جایز نیست.» (۱۸)

بنابراین، «غیر المنضوب علیهم ولا الضالین» بر این مطلب دلالت می‌کند که اگر از یکی از آنان چیزی خلاف حق صادر گشته باشد، گمراه شده و اقتدا به او جایز نیست؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: «فَمَاذَا بَقَدَّ الْحَقُّ إِلَّا الضَّلَالُ» (یونس: ۳۲) و اگر گمراه بودند، هرگز اقتدا به آنان و راه آنها جایز نبود و هر آن از قول «انعمت علیهم» و «صراط المستقیم» بیرون بودند. (۱۹)

#### ۷. سؤال بنیادین

اساسی‌ترین پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که هر انسان نمازگزار، روزانه حداقل با ده مرتبه تکرار این آیه شریفه، از خدای متعال درخواست هدایت به راه چه کسانی را دارد؟ احتمالات متعدد و پاسخ نهایی این پرسش عبارتند از:

۱. شاید این‌گونه به ذهن بیاید که منظور، هدایت به اجماع مسلمانان، یعنی اتفاق آرای مسلمانان یا اتفاق آرای علمای مسلمانان است. (۲۰)

اما بطلان این احتمال واضح است؛ زیرا: اولاً، با توجه به توضیحات گذشته، بیان شد که اسلام دین جهانی است و در اینجا صرفاً مسلمانان دعوت به این مهم نشده‌اند و این دعا خاص آنها نیست، بلکه تمام انسان‌ها مأمور به این امرند و از

دارد و عاری از هر قید و شرطی است. در این آیه، از خداوند متعال می‌خواهیم که ما را به راه معصوم هدایت کند؛ زیرا معصوم کسی است که در همه حال عاری از گناه و خطا باشد. راه مستقیم، راه کسی است که هیچ نوع خطا و گناهی از وی سر نزده و نمی‌زند. به بیان دیگر، طلب «اهتدا» به صورت مطلق جایز

نیست، مگر آنکه مهتدی - منعم علیه که خدا بر او انعام کرده است - هیچ خطا و گناهی نداشته باشد. (۱۴)

۳. در آیه «غیر المنضوب علیهم ولا الضالین» «غیر» مجرور است؛ پس یا بدل از ضمیر موجود در «علیهم» و یا صفت «الذین» است. (۱۵) اگر «غیر»، بدل باشد، معنای آیه شریفه چنین است: آنهایی که نعمت داده شده‌اند، کسانی‌اند که از غضب خدا و گمراهی محفوظ مانده‌اند. (۱۶)

اگر «غیر»، صفت باشد، معنای آیه این‌گونه است: کسانی که به آنها نعمت داده شده، چنین صفتی دارند که از خشم خداوند و از گمراهی ایمن بوده و می‌باشند. (۱۷)

با این توضیح، نه «غیر المنضوب علیهم» و نه «والضالین» هیچ کدام قیدی ندارند؛ یعنی: اینها کسانی‌اند که در هیچ آن و لحظه‌ای مغضوب و گمراه نبوده‌اند، و این مطلب دال بر معصوم بودن آنها از هر خطا و پلیدی است.

۴. تمام افرادی که در یک آن و لحظه از عمرشان در گناه و خطا بوده‌اند، به واسطه همان یک لحظه خطا و گناه، دست‌کم در همان لحظه مورد غضب خداوند، و یا گمراه بوده‌اند؛ زیرا خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن، این مطلب را متذکر می‌شود و می‌فرماید: «وَمَنْ يَغْضِبِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» (احزاب: ۳۶)؛ و کسی که خداوند و رسولش را

خداوند متعال این درخواست را دارند.

ثانیاً، اجماع مسلمانان، بسیار اندک واقع می شود، در حالی که در این آیه از خداوند متعال می خواهیم که ما را در همه مسائل اعم از کلی، جزئی، فرعی، اصلی و... به آن راه هدایت نماید. (۲۱)

ثالثاً، اهل حل و عقد، علمای یک فرقه اند نه علمای تمام امت اسلامی و اگر واقعاً مراد آیه اجماع بود، می فرمود: «اهدنا صراط الاجماع» یا «الصراط الاجماعی». (۲۲)

۲. برخی بر این باورند که منظور از «صراط» در این آیه، راه پیامبران، صدیقان، شهدا و صالحان است. این گروه، به این آیه اشاره کرده اند: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رِجَالًا﴾ (نساء: ۶۹)؛ هر کس خدا و رسول را اطاعت کند، پس آنها کسانی اند که خدا به آنها نعمت داده (از پیامبران، صدیقین، شهدا و صالحان) و دوستان خوبی اند.

در پاسخ، باید متذکر شد که این آیه صرفاً می فرماید: افرادی که خداوند سبحان مورد نعمت خویش قرار داده، پیامبران، رهبران صادق، شهدا و افراد صالح می باشند. اما در آیه شریفه ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ از پروردگار متعال می خواهیم که ما را به راه کسانی که نعمتشان دادی و معصوم هم می باشند، هدایت فرما. صرف نظر از این، صالحان واقعی فقط معصومان اند؛ زیرا صلاح، نقیض فساد و سیئه است. (۲۳)

بنابراین، صالح واقعی صرفاً معصوم است؛ کسی که در همه حالات، مبرا از گناه و خطاست. همچنین «شهید واقعی در فرهنگ قرآن فقط معصوم

است»؛ (۲۴) زیرا «شهید» یعنی: گواه، و منظور، شهدای میدان جنگ نیست. قرآن کریم می فرماید: ﴿لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ﴾ (حج: ۷۸)

پس گواهان واقعی هم صرفاً معصومان و غیر آنها تا حدی دارای این ویژگی اند؛ یعنی میزان برخورداری آنها از شهادت و حضور متفاوت است. در حالی که فرد معصوم در همه زمان ها حاضر و گواه است. صدیق واقعی هم قطعاً معصوم می باشد؛ زیرا صدیق کسی است که درست کار و درست گفتار

باشد. گناه کار در گناهایش بر صدق و درستی نمی باشد. مفسران در تفسیر آیه ﴿وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (نوبه: ۱۱۹) (همیشه با صادقین باشید)، گفته اند: اطلاق این آیه شریفه، که هیچ قید و شرطی برای بودن با صادقین ذکر نمی کند، قربندای بر معصوم بودن صادقین است؛ یعنی نمی فرماید از صادقین باشید. بنابراین، صادقین از هر لحاظ در سطحی قرار دارند که مردم به آن نمی رسند و مصداق آن معصومان اند. (۲۵) در کتب متعدد روایی، احادیث زیادی موجود است که دلالت می کند بر اینکه صادقین، حضرت محمد ﷺ اهل بیت معصوم ایشانند. (۲۶) در واقع، در سوره «حمد» از خداوند متعال می خواهیم که ما را به راه صدیقان، شهدا و صالحان که معصومند هدایت نماید.

۳. با توجه به توضیحات گذشته و اینکه سایر انبیا در زمان خودشان صراط مستقیم بوده اند و دین اسلام، دینی جامع و جهانی است، این احتمال که مراد خداوند از صراط مستقیم، راه پیامبرانی از قبیل ابراهیم، موسی، عیسی و... باشد، متفی می گردد.

۴. شاید گفته شود که صرفاً پیامبر ﷺ معصوم

شبهانه روز همه انسان‌ها مأمور به درخواست هدایت به راه نبوت و امامت شده‌اند. و راهی که مستقیم است و از هرگناه و انحرافی به دور می‌باشد. (صراط مستقیم)، چهارده نور الهی‌اند که واسطه خیر و آفرینش می‌باشند.

روایت زیادی در کتب تفسیری - روایی، ذیل آیه شریفه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» موجود است که دال بر این معناست که صراط مستقیم الهی همان معصومان‌اند:

۱. امام جعفر صادق می‌فرماید: «و الله نحن الصراط المستقیم»؛<sup>(۲۸)</sup> به خدا سوگند صراط مستقیم ما هستیم.

۲. آن حضرت همچنین می‌فرماید: «صراط الذین انعمت علیهم یعنی محمداً و ذریته صلوات الله علیهم»؛<sup>(۲۹)</sup> راه کسانی که نعمشان دادی، یعنی راه محمد و فرزندان معصومش.

۳. امام باقر علیه السلام نیز فرموده‌اند: «نحن الطريق الواضح و الصراط المستقیم الی الله عزوجل»؛<sup>(۳۰)</sup> ما راه روشن و صراط مستقیم به سوی خداوند - عزوجل - هستیم.

بنابراین، ائمه اطهار علیهم السلام ریسمان محکم الهی و صراط مستقیم او در اتحاد و انسجام جهانی‌اند. یگانه راهی‌اند که از کژی و اغراض به دور است. تمسک جستن به آنها و قدم گذاشتن در مسیر و صراط آنان رهنمون‌کننده به سوی خیرات است. این راه، تنها راهی است که اگر همه انسان‌ها در آن قدم نهند، سرآغاز دمیدن آخرین نور ولایت و امامت حضرت مهدی (عج) و زمینه‌ساز شکل‌گیری حکومت عدل جهانی است.

بوده‌اند. در پاسخ می‌گوییم: قرآن کریم نفرموده: ما را به راه کسی هدایت کن که مغضوب و گمراه نیست، بلکه فرموده است: «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»؛ و در اینجا اسم موصول (الذین) و ضمیر (هم) در «علیهم» به صورت جمع آورده شده است، و جمع عربی شامل حداقل سه نفر و بیشتر از آن می‌شود. پس صرفاً هدایت به راه نبوت، مدنظر نیست، بلکه ائمه اطهار علیهم السلام را هم شامل می‌شود.

۵. برخی ممکن است بگویند: این آیه شریفه دارای مصداق خارجی نیست و هیچ انسان معصومی وجود ندارد.<sup>(۲۷)</sup> بطلان این قول بسیار واضح‌تر است؛ زیرا در آن صورت، معنای آیه این‌گونه می‌شود: خدایا ما را به راه کسانی هدایت نما که وجود خارجی ندارند و نیستند! با استناد به مباحث فلسفی که عدم و نیستی، وجود خارجی ندارد و پوچ، باطل و نبود محض است، بیهوده است که دعا کنیم خداوند ما را به پوچ و هیچ هدایت نما. و این یک جمله بی‌معناست که بطلان آن روشن می‌باشد.

۶. بنابراین، هیچ راهی نمی‌ماند جز پذیرش عقیده شیعه اثنا عشری، و آن اینکه مقصود خداوند متعال از «صراط» در آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» راه پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و فرزندان معصوم آن دو بزرگوار می‌باشد.

#### نتیجه‌گیری

ما دایم از خداوند متعال می‌خواهیم که ما را به راه پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینان برحقش که همگی معصومند، و به آنها نعمت داده است و هیچ‌گاه مورد غضب او واقع نشده و گمراه نشده‌اند، هدایت نماید. در واقع،

منابع .....

- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مشرقین، ۱۳۷۹.

- اخوان کاظمی، بهرام، حکومت جهانی امام عصر و نظریه جهانی شدن در عصر ما، در: مجموعه مقالات همایش دکترین مهدویت، ۱۳۸۴.

- حسینی بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بی‌جا، بی‌تا.

- خزعلی، ابوالقاسم، تفسیر سوره فاتحه، بی‌جا، بی‌تا.

- سبحانی، جعفر و دیگران، اندیشه اسلامی (۱)، تهران، دانشگاه پیام نور، چ هشتم، ۱۳۸۶.

- شایسته‌نژاد، علی‌اکبر، تفسیر موضوعی قرآن، تهران، دانشگاه پیام نور، چ سوم، ۱۳۸۵.

- صافی، محمود، الحلول فی اعراب القرآن، بیروت، دارالرشید، بی‌تا.

- طبرسی، فضل‌بن حسن، مجمع‌البیان، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۳ق.

- عاملی، شرف‌الدین، المراجعات، بی‌جا، بی‌تا.

- عبدالحلیم محمود، علی، الدعوة اسلامیة دعوة عالمیة، بیروت، دارالکتب العربی، بی‌تا.

- عروسی حویزی، عبدعلی، تفسیر نورالثقلین، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، بی‌تا.

- عزیزی، محمد و دیگران، اندیشه اسلامی (۲)، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۵.

- فخر رازی، محمدبن صمر، مفاتیح‌الغیب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.

- قطب، محمد، مسلمانان و مسئله جهانی شدن، ترجمه زاهد اویسی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌المللی، ۱۳۸۱.

- کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح جواد مصطفوی، تهران، علمی اسلامی، بی‌تا.

- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفا، ۱۴۰۳ق.

- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، چ دهم، ۱۳۸۲.

- معرفت، محمدهادی، جهانی شدن زمینه جهانی سازی یا در انتظار یوم موعود، تهران، قیسات، ۱۳۸۳.

- یزدی، محمدجواد، دریافتی نواز سوره مبارکه حمد، مشهد، رستگار، ۱۳۸۱.

پی‌نوشت‌ها .....

۱- محمد عزیزی و دیگران، اندیشه اسلامی (۲)، ص ۵۶.

۲- نهج البلاغه، خ ۲۳۵.

۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۲۸۹.

۴- شرف‌الدین عاملی، المراجعات، ص ۲۱۰.

۵- محمد قطب، مسلمانان و مسئله جهانی شدن، ترجمه زاهد ویسی، ص ۶۸.

۶- علی عبدالحلیم محمود، الدعوة الاسلامیة دعوة العالمیة، ص ۹۵.

۷- بهرام اخوان کاظمی، حکومت جهانی امام عصر و نظریه جهانی شدن در عصر ما، ص ۸۶.

۸- محمدهادی معرفت، جهانی شدن زمینه جهانی سازی یا در انتظار یوم موعود، ص ۵۹.

۹- محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، ص ۸۲.

۱۰- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۵۷.

۱۱- جعفر سبحانی و دیگران، اندیشه اسلامی (۱)، ص ۷۴.

۱۲- علی‌اکبر شایسته‌نژاد، تفسیر موضوعی قرآن، ص ۸۳.

۱۳- محمدجواد یزدی، دریافتی نواز سوره مبارکه حمد، ص ۸.

۱۴- همان، ص ۱۲.

۱۵- محمود صافی، الحلول فی اعراب القرآن، ج ۱، ص ۱۲.

۱۶- فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ص ۶۰.

۱۷- ابوالقاسم خزعلی، تفسیر سوره فاتحه، ص ۳۴.

۱۸- فخرالدین رازی، مفاتیح‌الغیب، ج ۱، ص ۲۶۰.

۱۹- همان، ص ۲۶۲.

۲۰- محمدجواد یزدی، دریافتی نواز سوره مبارکه حمد، ص ۱۶.

۲۱- همان، ص ۱۶.

۲۲- همان، ص ۱۷.

۲۳- همان، ص ۲۰.

۲۴- همان، ص ۲۱.

۲۵- همان، ص ۲۱.

۲۶- همان.

۲۷- همان، ص ۲۴.

۲۸- عبدعلی جمعه حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۰.

۲۹- همان.

۳۰- سیدهاشم حسینی بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۲.